

بسمه تعالی

قضات محترم شعبه ..... دادگاه تجدید نظر استان ....

موضوع : لایحه دفاعیه - شماره بایگانی .....

با سلام و تقدیم احترام، اینجانبان رضا شریفی اردانی ..... به وکالت از تجدیدنظرخوانده و در جهت تأیید و ابرام دادنامه موضوع تجدیدنظرخواسته ، در دو بخش که بخش نخست شرحی از ماوقع و بخش دوم اختصاص به دلایل و مستندات و پاسخ به لایحه وکیل تجدید نظرخواه خواهد داشت، ذیلاً مواردی را به استحضار آن مقام عالی می رساند؛

### بخش نخست

همانطور که در شکوائیه و طی لوایح مختلف سابقاً نیز به سمع و نظر رسیده است، ماوقع بدین شرح است؛

### بخش دوم

۱- با مذاقه ی مقام محترم قضایی در اوراق و محتویات پرونده در وهله اول آنچه بیش از هر چیز ذهن را به سوء نیت متهم سوق می دهد، اظهارات متناقض متهم، مطلع و شهودی است که نام اشان ذیل سند موضوع سوء استفاده از سفید امضاء بعنوان شاهد درج گردیده و البته به دستور دادگاه محترم بدوی در محضر ایشان ادای شهادت نموده اند، به همین منظور ذیلاً به مواردی از این دست اشاره شده است؛

بدو نظر مقام محترم را به پاسخ آقای ..... به برخی از سوالات که در صفحه ی ۶۸ پرونده مضبوط گردیده جلب می نماید.

**الف) سوال:** نحوه تنظیم مبیعه نامه و محل آن و اینکه چه اشخاصی آنجا حضور داشته اند؟

**پاسخ:** "بنده به دفتر آقای ..... مراجعه کردم و بنده و آقای ..... مبیعه نامه را امضا کردیم و آقای ..... هم به عنوان شاهد از طرف من و آقای دیگری به عنوان شاهد از طرف فروشنده قرارداد را امضا نمود."

**سوال:** قرارداد در چند نسخه تنظیم شد و آیا در حین امضا آقای ..... هم وجود داشت؟

**پاسخ:** آقای ..... نبود، قرار شد بعداً امضاء ..... جهت محکم کاری گرفته شود.

**ب) آقای ..... در اظهارات خود به تاریخ ..... چنین مکتوب نموده اند که؛**

"یک روز پویا (.....) به بنده گفت که خودشان این ملک را می خواهند به شخصی به نام ..... بفروشند و ایشان یک برگه به بنده دادند که امضا و اثر انگشت زدم و خودشان هم همین کار را در همین لحظه انجام دادند به علت اینکه بنده بعنوان شاهد باشم."

همچنین عنوان داشته است که "هیچ مبلغی در این معامله نگرفتم و خود خریدار هم تأکید میکند که هیچ مبلغی به بنده نداده است."

و همچنین ایشان در صورتجلسه منتج به دادنامه شماره ..... مورخ ..... در مقام مطلع چنین عنوان داشته است که؛

"مبلغ یکصد و هشتاد میلیون تومان نیز به آقای ..... داده است"

همچنین بر خلاف آنچه در دادسرا اظهار نموده بود در محضر دادگاه اظهار می دارد؛

"در ذیل قرارداد یک امضاء مربوط به ..... وجود داشت"

ج) وکیل محترم متهم ضمن لایحه مورخ ..... که در جلسه رسیدگی تقدیم نموده است در صفحه نخست لایحه (سطر نهم) چنین اشعار می دارد؛

"برای تنظیم مبایعه نامه بطور همزمان موکل و شاکی مبادرت به امضاء یک برگ سفید می نمایند تا بر روی آن مبایعه نامه به نام خریدار تنظیم نمایند."

د) شهود در صورتجلسه مورخ ..... چنین شهادت داده اند؛

"مبایعه نامه بصورت دستنویس تنظیم شده بود"

در حالیکه آقای پیام ..... در همان جلسه صراحتاً عنوان می دارد که قرارداد بصورت تایپی تنظیم شده بود!!

تناقضی فاحش در اظهارات شهود؛

احدی از شهود که در جلسه مورخ ..... ادای شهادت نموده اند زمان تنظیم قرارداد را فصل تابستان و دیگری آن را در زمستان شهادت می دهد.

همانطور که ملاحظه می گردد همه ی اشخاص فوق الاشاره، از واقعه ای واحد اظهارات متناقض و متعارضی داشته و بدرستی به اهم آن در دادنامه موضوع تجدید نظر خواسته نیز اشاره گردیده و در حالی که نظر کارشناس سه نفره نیز صریحاً حکایت از سفید امضاء بودن سند دارد همچنان اصرار بر عدم آن دارند. حتی در جلسه رسیدگی مورخ..... در حالیکه مطلع پرونده (.....) که فی الواقع منتفع اصلی از اصالت سند نیز می باشد، در جهت اثبات عدم سفید امضاء بودن سند و عدم تبانی؛ قصد بردن مال غیر، در حالی که مدعی بود قبل از خرید ملک موضوع مبایعه نامه را رؤیت و متعاقباً اقدام به خرید نموده است از توصیف مشخصات ظاهری ملک عاجز بود بر خلاف واقع مشخصات متناقضی عنوان داشته که اتفاقاً به تفصیل در صورتجلسه قید و ضبط گردیده است!

۲- نکته حائز اهمیت دیگر که در صفحه ۳۴ پرونده منعکس است، بازنگری فایل صوتی مکالمه موکل و متهم است که صراحتاً حکایت از سفید امضا بودن سند و التزام ایشان به بازگرداندن آن خواهد داشت که در ان خصوص نظر مقام قضایی را بدان جلب می نماید.

۳- بنظر می رسد با توجه به موارد فوق از جمله اظهارات متناقض فوق الاشاره، نظریه کارشناس سه نفره و همچنین فایل صوتی مذکور در شرایطی که دیگر، متهم پرونده نمیتواند ادعای خلاف سفید امضاء بودن را مطرح نماید، قصد در مشروعیت بخشیدن به عمل و عدم سوء استفاده خود نسبت به سفید امضاء مأخوذه از موکل نموده است، که در این خصوص نیز ذکر چند نکته لازم و ضروری است؛

**اولاً: بر فرض** اینکه مقصود موکل از اعطا وکالتنامه را با تکیه بر ظاهر (و نه قصد و اراده باطنی) وکالت در فروش بدانیم، سوالی که مطرح است اینکه آیا در این فرض نیز سوء استفاده ای نسبت به موکل میتوان متصور بود یا خیر؟

در پاسخ به این سوال نظر مقام محترم قضایی را به ماده ۷ از سفید امضاء تنظیم شده علیه موکل جلب می نماید که به موجب آن بر خلاف مواد----- قانون مدنی حق مراجعه موکل به متهم جهت تسویه ایام وکالت از ایشان سلب و ساقط شده است!

آیا این اسقاط حق موکل و سوء استفاده متهم نسبت به این حق نیست!

**ثانیاً-** با توجه به امانی بودن عقد وکالت و تکلیف وکیل بر رعایت غبطه موکل با وجود مبیعه نامه مذکور آیا موکل خود عمل متهم (فروش ملک ۸ میلیاردی به نصف قیمت روز) را تصدیق نخواهد نمود؟

واینکه آیا موکل میتواند با وجود چنین سندی علیه متهم در محاکم حقوقی تظلم خواهی نماید؟

**ثالثاً-** چنانچه ادعای وکیل محترم تجدید نظرخواه را که در پاراگراف آخر از صفحه ی دوم لایحه تجدیدنظرخواهی ایشان مبنی بر وجود سه فقره چک موکل در ید متهم (که البته منشأ آن را مشخص ننمودست) و دلیل بر قصد موکل به انتقال ملک خود بابت بدهی مطرح شده را مقرون به صحت بدانیم، آیا دادخواست استرداد این سه فقره چک با فرض صحت این مبیعه نامه، مسموع خواهد بود؟

آنهم مبیعه نامه ای که فی مابین موکل و شخص ثالثی(.....) تنظیم شده است و البته هیچ ارتباطی به وکیل نخواهد داشت.

**رابعاً** - همانطور که مرجع محترم بدوی نیز به درستی اشعار داشته است و با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت و ادله موجود در پرونده، چیزی جز تبانی متهم با آقای ..... برای تملک ملک شاکی با قیمتی بسیار نازلتر از قیمت واقعی استنباط می شود؟

**خامساً** - بنا بر اظهارات مطلعین و متهم آیا آنچه از بابت بدهی مال مرهونه مورد تخفیف قرار گرفته و از ثمن معامله کسر گردیده می بایست جزء پرداختی موکل قرار گیرد؟

و آیا اکنون و در شرایطی که در مبایعه نامه قید گردیده است که موکل ثمن را **نقداً** دریافت نموده است، میتوان حقی برای ایشان در محاکم حقوقی قائل بود؟

آیا دارا شدن بالغ بر هفتصد میلیون تومان بلاجهت توسط خریدار و احتساب آن به حساب موکل تضییع حق ایشان و سوء استفاده از سفید امضاء مأخوذه نخواهد بود؟

همه ی آنچه عنوان شد بر فرضی بود که وکالتنامه به قصد انشاء تنظیم شده باشد، همانطور که به کرات نیز عنوان شد وکالتنامه نه به قصد فروش که به قصد اخذ تخفیف به ..... اعطا شده است. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه وکیل محترم تجدیدنظرخواه در جهت عدم سوء استفاده نسبت به سفید امضاء در صفحه سوم از لایحه تجدید نظرخواهی خود (پاراگراف آخر) سوالی را تحت اینکه چنانچه تجدید نظر خواه صرفاً قصد تخفیف نسبت به تسهیلات بانکی را می داشت چه نیازی به دادن سفید امضا بود؟ را مطرح نموده است که اتفاقاً خود باید بدین سوال پاسخگو باشد که چنانچه فی الواقع موکل ایشان وکیل در فروش ملک بود (حتی بر فرض قصد وکالت در فروش) دیگر چه نیازی به اخذ سفید امضا بود؟

مگر آنکه همانطور که اکنون مبایعه نامه و اجاره نامه در آن تنظیم شده است قصد اسقاط حق مراجعه موکل نسبت به تسویه حساب ایام وکالت را داشته باشد!

مگر آنکه موکل خود، راساً اقرار به اخذ ثمن بصورت نقدی نموده باشد!

مگر آنکه دیگر موکل نتواند ادعایی بابت عدم رعایت غبطه ایشان داشته باشد!

مگر آنکه موکل نتواند دیگر استرداد چک های خود را از مراجع حقوقی درخواست نماید!

۴- و اما در خصوص چک های موکل که نزد متهم است ذکر این نکته ضروری است که تحصیل اموال موکل و خانواده ایشان به ملک موضوع این دعوی ختم نشده و علاوه بر آن اموال و اسناد بسیاری از ایشان تحصیل شده که مدت های مدیدی است علیه ..... و پیام ..... و مطلع پرونده و به موجب پرونده کلاسه..... در شعبه اول بازپرسی در حال رسیدگی است و البته لف پرونده های مشابهی است که عیناً به مشکل یکسان و همانند آنچه بر سر موکل آمده است اموال اشخاص دیگری نیز به ناروا تحصیل شده است!

در پایان ضمن عذرخواهی از اطاله کلام و بنا بر آنچه مورد اشاره قرار گرفت از آن مقام عالی تقاضای جلوگیری از تضييع هر چه بیشتر حقوق موکل و تاکید و ابرام دادنامه ی موضوع تجدیدنظرخواهی متهم عاجزانه مورد استدعاست./